

## دود سیگارش و بیرون داد به من گفت

\_مگه چیه!

برای هر دختری خواستگار میاد اگه بخوای به خاطر هر خواستگاری اینطوری بلوا به پا کنی کلاهمون بدجوری میره توی هم

انگار نمیتونستم حرفامو به این آدم بفهمونم انگار اصلاً درک نمی‌کرد که من دارم راجع به چی حرف می‌زنم

بغضمو پس زدم و گفتم

بین چی دارم بهت میگم من نمیتونم ازدواج کنم چون تو رو دوست دارم و اینکه دیگه دختر نیستم من چه بهانه ای برای اینکه دختر نیستم بیارم؟  
میفهمی نمیدونم وقتی پدر و مادرم میخوان منو مجبور کنن با کسی که مناسبه ازدواج کنم چه بهانه ای بیارم تا این ازدواج رد کنم

به این چیزا فکر کردی؟

من یه دخترم

برای دختری مثل من که خانواده ابروداری داره این چیزا اصلاً خوب نیست  
دستش روی بازوی من گذاشت و شروع کرد به نوازش کردن من و گفت

این حرفا رو ول کن نگران نباش هیچ اتفاقی نمیفته

الان باید دلتنگ من باشی نه اینکه این حرفا رو تحویل من بدی...

تا خواستم بازومو و کنار بکشم و دستشو پس بزنم محکم بازو و چنگ زد و گفت

از بین جفتک انداختنا اصلاً خوشم نمیاد یاد بگیر که در مقابل من مطیع و آروم باشی

وگرنه بد جور می‌شو و ناراحت می‌کنی

از جام بلند شدم دستشو کنار زدم و گفتم

من می‌خوام برم خونه نمیخوام اینجا باشم

قدم اول و برنداشته چنان دستمو کشید که روی مبل پرت شدم و با چشمای به خون

نشسته و صورت برزخیش که آدم ازش می‌ترسید روبه رو شدم

به صورتم نگاه کرد و گفت

تا وقتی که من اجازه ندادم پاتو از اینجا بیرون نمیذاری حقشونداری

ترسیدم ازش خیلی ترسیدم این آدم ترسناک بود

تعادل نداشت پشیمون بودم

خیلی پشیمون بودم از دوست داشتن همچین آدمی

اما بلایی بود که بهش گرفتار شده بودم و هیچ کاریش نمی‌شد کرد

دوباره سیگاری روشن کرد و از پنجره به بیرون خیره شد و گفت

\_ می خوام باهات حرف بزنم پس خوب گوشاتو باز کن

قرار نیست من و تو ازدواج کنیم قرار نیست که زوج خوشبختی بشیم قرار نیست تا

به مرد رویاهات بررسی و یع زندگی رمانتیک و تجربه کنی

من اگر این جام دلایل خودم و دارم

تو اگر این جایی باید تاوان پس بدی هر قدم خطایی که برداری هر کار اشتباهی که

بکنی تاوانی که قراره بدی بدتر و بدتر میشه پس مواظب رفتارت باش

حتی یکی از حرفاش نمیفهمیدم حتی یک کلمه برام مفهوم واضح نبود

ترسیده به مبل چسبیده بودم و با گریه نالیدم

معلوم هست چی داری میگی؟

تاوان چی؟

مگه من چیکار کردم؟

وقتی به سمتم چرخید و اون چشمای پر از خونش دیدم بیشتر توی خودم مچاله شدم

قلیبم داشت از جا کنده می شد بهم نزدیک تر شد و گفت

\_ قرار نیست که تو کاری کرده باشی هر کسی تاوان اشتباهات خانواده اش هم میتونه

پس بده

بگرد بین پدر و مادرت چه اشتباهی کردن که تو باید تاوان اشتباهات اونارو پس بدی...



کاربر گرامی جهت اطلاع از زمان پارت بعدی این رمان و دسترسی راحت تر به

پارت های جدید لطفا در کانال و پیج اینستاگرام ما عضو شوید :

**جهت عضویت در کانال تلگرامی و اینستاگرامی ما روی عکس زیر کلیک کنید**

( برای عضوین در کانال تلگرامی فیلتر شکن را روشن کنید سپس کلیک کنید )

**عضویت در کانال تلگرامی رمان پلاس**

اطلاع از زمان دقیق آپدیت ها / دسترسی سریعتر به پارت های جدید / اخبار سایت ..



**عضویت در پیج اینستاگرام فایل استار**

اطلاع از تیزر رمان های برتر / اخبار دنیای رمان / دسترسی به نویسنده رمان ها



